

حاضر مقدور نیست. اما درنهایت آزمایش‌های انگل‌شناسی، شیمی بیولوژی و سرم‌شناسی، روی آنها انجام شد.

در روز هفتم تیرماه ۱۳۲۷، احمد دهقان، نماینده مجلس شورای ملی، در تماشاخانه‌ی تهران یک مجلس نمایشی برای تماشای تئاتر و صرف چای برای المپین‌های ایرانی ترتیب داد. منیر مهران، رییس باشگاه نیرو و راستی، که بعد از فوت همسرش منوچهر مهران، این باشگاه معتبر را اداره می‌کرد نیز به همراه جمعی از روزنامه‌نگاران و باشگاهداران به این مراسم دعوت شدند.

در آستانه‌ی اعزام کاروان به لندن اما یکی از مشکلات بزرگ حاکم بر اردوی تیم ملی بسکتبال، وجود دودستگی شدید در تیم ملی، بین باند باشگاه‌های دوچرخه‌سواران و نیرو و راستی بود، به‌طوری‌که کساری، سرپرست بازیکنان بسکتبال کلوپ دوچرخه‌سواران در اردوگاه، طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۷/۴/۹ به نمایندگی از بچه‌های کلوپ دوچرخه‌سواران، قضیه را به انجمن تربیت‌بدنی، مدیر اردوگاه و روزنامه‌ی اطلاعات گزارش داد و تهدید به اعتصاب کرد. این دودستگی در لندن نیز گریبان تیم ملی را گرفت و به شکست‌های متوالی منجر شد: «ریاست انجمن ملی تربیت ملی (رونوشت: مدیریت اردوگاه المپیک ایران و روزنامه‌ی اطلاعات) اینجانبان، بازیکنان بسکتبال باشگاه ورزشی دوچرخه‌سواران که در تمام مسابقات بکستبال (حذفی و پناالتی) رتبه‌ی اول را حائز گردیده، با فداکاری خود را برای شرکت در المپیاد آماده نموده‌ایم. در این مدتی که برای تمرین در این اردوگاه به‌سر می‌بریم، از هرگونه ناملایمات، دسته‌بندی‌ها، کنایات و اشارات که تنها برای از بین بردن ما جوانان است فروگذار نمی‌نمایند. چون کمیته‌ی فنی بسکتبال تحت نفوذ اکثریت بازیکنان قرار گرفته و صدا و ناله‌های ما به گوش آنها اثری ندارد، ناچار برای حفظ و حیثیت باشگاه جوان خود و برای اینکه کوچک‌ترین لطمه‌ای به اینجانبان وارد نشود و باعث آبروریزی ما نگردد، ناچار این محیط مقدس را ترک کرده و در باشگاه برای احقاق حق خود متحصن خواهیم شد. زیرا با نابودی و از بین بردن روحیه‌ی ما جوانان، امیدی به پیروزی و پیشرفت ورزش در این مملکت نخواهد بود. تیمسار معظم بر شماسه که حق ما را از این اشخاص گرفته و ثابت نمایید که حامی ما جوانان هستید.»

اردوی ایران برای شرکت در اولین المپیک چنان سروصدا کرده بود که حتی پای رسانه‌های خارجی را هم به اردوگاه باز کرد، تا اولین گزارش‌ها را از نحوه‌ی آماده‌سازی ورزشکاران ایران به جهان مخابره کنند. روز چهاردهم تیرماه، خبرنگار روزنامه‌ی آمریکایی، جهت تهیه‌ی گزارش از قهرمانان، به



تیم ملی

اردوگاه ایران رفت. فتح‌الله امیرعلایی، معاون فنی انجمن تربیت‌بدنی ایران، طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۲۷/۴/۱۴ نوشت: «حامل نامه‌ی آقای شاملو، نماینده و خبرنگار روزنامه‌های آمریکایی هستند. خواهشمندم کلیه‌ی نکاتی را که مورد لزوم ایشان است در اختیارشان بگذارید و در ضمن اگر ممکن است قطعه عکسی هم از هریک از ورزشکاران تهیه کنید و در اختیار ایشان بگذارید.»

روز پانزدهم تیرماه، از ناحیه‌ی سرپرست اردو به ورزشکاران اخطار داده شد که همه‌روزه قبل از صرف صبحانه، صورت خود را تراشیده و در نظافت تن و پوشیدن لباس، دقت بیشتری کنند! و همچنین در جلسه‌ی مسئولان اردو درباره‌ی رفتار و کردار قهرمان‌ها در اردو، پرتاب الفاظ رکیک به سمت همدیگر و غذا بحث شد. ابوالفضل صدری، رییس کمیته‌ی المپیک ایران، طی نامه‌ای به سرپرستان هر پنج تیم اعزامی به لندن، مقررات مکتوب اعزام و شرکت قهرمانان را به دست آنها رساند تا مورد مطالعه و حتی امضای تمام ورزشکاران قرار گیرد که فردا اعلام نکنند بی‌خبر بوده‌اند.

«اخطار- کلیه‌ی آقایان قهرمانان باید همه‌روزه قبل از صرف صبحانه، صورت خود را تراشیده در نظافت تن و پوشیدن لباس دقت بیشتری نمایند و برای این منظور، صرف صبحانه از ساعت ۷ به ۷/۵ موکول می‌گردد. (دفتر اردو المپیک در ایران).»

همچنین انجمن ملی تربیت‌بدنی و پیشاهنگی ایران، برنامه‌ی غذای اردو را چنین اعلام کرد: «۱- در بیشتر غذاها باید گرذلیمو مصرف شود ۲- صبح یک چای شیرین و عصر نیز یک چایی شیرین و نان داده خواهد شد. ۳- ظهر و شب به‌عنوان دسر، کمپوت میوه‌های تازه مانند گیلاس، گوجه و زردآلود داده می‌شود ۴- هر شب بعد از شام، سالاد خیار، گوجه‌فرنگی،

روغن زیتون و آب لیمو داده می‌شود. همچنین شام هر شب: سوپ و کمپوت، ربواس، گوجه، گیلاس، آلبالو و مقداری در روز دسر و شیرینی تر خیلی خوب.»

روز شانزدهم خرداد، آقای اصفهانی، کفاش معروف تهرانی، به اردو رفت تا اندازه‌ی پای قهرمانان را بگیرد. و بالاخره در روز هفدهم خرداد، ابوالفضل صدری، لیست احتیاجات شخصی (پانزده قلم) ورزشکاران اعزامی را به آنان ابلاغ کرد تا در طول سفر به همراه داشته باشند. صابون رختشویی و پیژامه، از مهم‌ترین آنان بود!

«احتیاجات جزئی شخصی که باید همراه ورزشکاران اعزامی به لندن باشد: صابون دو عدد، حوله دو عدد، خمیردندان یک جعبه، مسواک دو عدد، دستگاه تراش، صابون و نرمه، تیغ ژیلت سه بسته، شانه یک عدد، صابون رختشویی و تنشویی دو عدد، زیرپیراهن چهار عدد، زیر شلوار چهار عدد، پیژامه یک دست، جوراب شش جفت، کراوات خوب چهار عدد، دستمال شش عدد و کفش یک جفت نو.»

۳- به اسب فقط هویج و قند بده:

المپیک ۱۹۴۸ را به دلیل آنکه بعد از جنگ جهانی برگزار می‌شد «بازی‌های دوران ریاضت» عنوان کردند و در ادامه، کشورهای شکست‌خورده در جنگ (آلمان، ایتالیا و ژاپن) از صحنه‌ی رقابت‌ها حذف شدند. این دوره که با شرکت ۴۰۹۹ ورزشکار از ۵۹ کشور در استادیوم ویمبلی برگزار شد، کاروان ایران پس از سپری شدن یک سال از پذیرش عضویت‌اش در کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، با ۳۶ ورزشکار و ۱۶ همراه، در پنج رشته‌ی وزنه‌برداری، کشتی آزاد، مشت‌زنی، بسکتبال و تیراندازی شرکت کرد و با مدال برنز جعفر سلماسی، که اولین مدال المپیک ایران بود، به کشور

برگشت.

در تیم وزنه‌برداری ایران، محمود نامجو، در خروس‌وزن پنجم شد. اسدالله مهینی، در سبک‌وزن با مجموع ۲۹۵ کیلو در مرتبه‌ی نوزدهم قرار گرفت. منصور میرقوامی، در میان‌وزن با مجموع ۳۲۷ کیلو سیزدهم شد و میررسول ریسی، با حدنصاب ۳۵۵ کیلوگرم مقام هشتم را کسب کرد. تیم ملی کشتی ایران مرکب از منصور ریسی، منصور رحیمی‌ها، حسن سعدیان، علی غفاری، عباس زندی، ابوالقاسم سخدری و عباس حریری به مدالی نرسید. تنها ریسی چهارم شد، زندی و سخدری به‌عنوان پنجم اوزان خود رسیدند. تیم بسکتبال متشکل از حسین صعودی‌پور، حسین کاراندیش، حسین جبارزادگان، حسین سرودی، حسین هاشمی، هوشنگ رفعت‌جاء، فرهنگ مهدی و فریدون اسفندیاری، با سه شکست از فرانسه (۶۲-۳۰) مکزیک (۶۸-۲۸) کوبا (۶۳-۳۰)، تنها پیروزی خود را در بازی‌های گروهی در برابر نیوزلند کسب کرد (۴۹ بر ۲۲) و در مرحله‌ی بعدی ۸۱ بر ۲۵ از کانادا شکست خورد و در میان ۲۳ کشور به رتبه‌ی چهاردهم رسید.

در تیراندازی محمود سخایی، صمدملالزال و فرهنگ خسروپناه حضور داشتند که در رشته‌ی پنجاه متر کالیبر کوچک، سخایی در ردیف ۶۷، خسروپناه ۶۹ و ملالزال ۷۱ قرار گرفتند، در رشته‌ی سیصد متر آزاد هم سه مقام آخر (۳۴ تا ۳۶) نصیب سه تیرانداز ما شد.

مدال برنز جعفر سلماسی، کاروان ایران را در رده‌ی ۳۵ رده‌بندی المپیک قرار داد. سلماسی، روز نهم اوت در تالار امپرس در ارلزکورت (earls court) لندن که لبریز از تماشاچی بود روی صحنه رفت و با برداشتن یکصد کیلو در آخرین پرس، رکورد جدیدی برای بازی‌های المپیک ثبت کرد. وقتی اسکار استیت، گوینده‌ی سالن مسابقات، خبر از رکوردشکنی داد، جمعیت، بزرگمرد کوچک‌اندام ایرانی و هالت‌ریست ۳۱ ساله‌ی سرزمین پرشیا را به‌شدت تشویق کردند. ضعف سلماسی در حرکت دوزرب بود که نتوانست بیشتر از ۱۱۵ کیلو را بردارد و دوبار در برابر وزنه‌ی ۱۲۰ کیلویی شکست خورد، که او را از طلا و نقره دور نگه داشت. با کسب اولین مدال المپیک ایران، بچه‌های تیم‌های کشتی و بسکتبال تا ساعت ۱/۳۰ نیمه‌شب در سالن قیامتی بر پا کردند و حسن سعدیان، ملی‌پوش تیم کشتی، سلماسی را به دوش گرفته و دور سالن چرخاند. سلماسی در چنان حال مسرت‌باری غرقه بود که گمان می‌کرد قپیش‌تر این صحنه‌ها را در عالم خیال و رویا دیده است. مراسم اهدای مدال و پرچم، فردای آن روز در ویمبلی و استادیوم اصلی بازی‌ها -امپایر- برپا شد و سلماسی با چشم‌های اشکیار از فرط شادی و غرور، به روی سکو رفت. یک سال بعد